

عنوان مقاله:

کاربست نظریه های وضع، در تفسیر متون منابع استنباط احکام فقهی

محل انتشار:

دوفصلنامه مطالعات اصول فقه امامیه، دوره 1400، شماره 2 (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 25

نویسنده:

علی نهاوندی - استادسطوح عالی حوزه

خلاصه مقاله:

زبان انسان ترکیبی از دو عنصر لفظ و معنا، یا دال و مدلول است. سبب پیدایش علائم و نشانه های کلامی، معنایی است که در وجود انسان شکل گرفته است. بررسی منشا پیدایش خود معناها و متعلق آن ها، موضوعی است که در پرتو وضع به آن پرداخته می شود، اما آن چه مسلم است این که انسان برای انتقال معانی مورد نظر خود به دیگران، از ابزار سخن و نشانه های لفظی استمداد می جوید و دلالت لفظ بر معنا ناشی از نوعی سببیت بوده و وجود ذهنی لفظ سبب وجود ذهنی معنا و انتقال آن به ذهن می شود. به نظر می رسد که ارتباط لفظ و معنی که حاصل آن دلالت است، ارتباطی ذاتی نیست و میان این دو به خودی خود ارتباطی وجود ندارد. درتحلیل ماهیت این ارتباط دیدگاه های مختلفی ابراز شده است که تحت عنوان نظریات وضع آمده است. با توجه به این که اهم منابع استنباط احکام فقهی از مقوله الفاظ است، تمامی علماء علم اصول بحث از حقیقت وضع و کیفیت دلالت الفاظ بر معانی را مطرح نموده اند. نظریه های وضع نقش اساسی و بنیادینی در فرآیند تفسیر متون دینی ایفاء کرده و پذیرش هر یک از این نظریات نتایج مختلفی را در فهم معنا بهمراه خواهد داشت. مقاله حاضر ضمن بررسی چند نظریه وضع، برترین نظریه ها که از صلاحیت تبیین و توجیه منطقی تری برخوردار است را بررسی می نماید.

کلمات کلیدی:

وضع، نظریه های وضع، فقه، منابع استنباط، اصولیین

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1491231>

